

## مفهوم درد و رنج در شعر مهدی اخوان ثالث

دکتر علی محمد پشت‌دار\*

حمیدرضا نان‌آور\*\*

### چکیده

شناخت «رنج» از دیدگاه معرفت‌شناسانه و پدیدارشناسی طیف وسیعی از نوع بشر را در بر می‌گیرد که شعرا و نویسندگان عموماً در این گروه قرار دارند زیرا شاعر با عواطف و احساسات شاعرانه عوامل درد و رنج را در هر عصر و زمان بهتر و بیشتر احساس می‌کند. مهمترین علل درد و رنج را می‌توان در تعارض تصورات ذهنی انسان با جهان خارج فرض کرد و با نگاه انسان امروزی محرومیت از حقوق انسانی و حقوق طبیعی و نابسامانی ذهنی و روانی و اینجایی و اکنونی نزیستن از عوامل مهم درد و رنج به شمار می‌رود.

بی‌رنج زیستن برای هیچ انسانی ممکن نیست چرا که انسان بودن و انسانی زیستن و انسانی مُردن عصاره‌ی درد و رنج را می‌طلبد.

این پژوهش در نظر دارد به شیوه‌ی تحلیل محتوا با ابزار کتابخانه مفهوم درد و رنج را در آثار شاعر درد آشنای معاصر خراسانی در چهار حوزه‌ی معنا‌شناسی، وجود‌شناسی، غایت‌شناسی و وظیفه‌شناسی نقد و بررسی نماید.

am.poshtdar@gmail.com

\*دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور

\*\*کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، فرهنگی شهرستان‌های تهران

hamidnanavar۱۳۵۹@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۵



از نتایج قابل پیش‌بینی پس از واکاوی آثار اخوان از دیدگاه درد و رنج می‌توان گفت نمود اولویت‌های رنج‌مانند گناه، قضا و قدر، مرگ و سرنوشت و... در شعر این شاعر بسیار بالا و اضطراب ناشی از سرنوشت و مرگ با تصویرسازی‌های متنوع دیده می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** مفهوم درد و رنج، مهدی اخوان ثالث، شعر معاصر، نقد و بررسی

### مقدمه

شعر معاصر ذخیره‌ای عظیم است از طیف‌های مختلف رنج‌های بشریت «و شاعران معاصر، زبان‌گویایی از «رنج» و حکایت‌گران صادقی هستند از کاستیها، تضادها، دروغها، دورنگی‌ها، یأس و ناامیدی‌ها، بی‌ایمانی‌ها، فریبه‌ها، باورهای سست، زخم‌زبانها، تهمت‌ها و... آنهايي که؛ پرچم‌داران گوهر عظیم عشق در عصر حاضر به حساب می‌آیند و طعم‌گزنده‌ی هوای غریبانه را به جان خریدند تا این ثروت روح پرور را صیقل دهند. بازتاب «رنج» در اشعار شاعران معاصر، ما را بر آن داشت تا نگاهی عمیق و وسیع به آثار منظوم این شاعر معاصر داشته باشیم. توجه این پژوهش برپایه‌ی بررسی مفهوم «رنج» در مجموعه اشعار قیصرامین پور» (گرجی، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۳۰) در چهار محور (الف؛ ماهیت‌شناسی ب؛ وجود‌شناسی «۱- انواع ۲- علل ۳- راه‌های رهایی» ج؛ غایت‌شناسی د؛ وظیفه‌شناسی یا اخلاق درد و رنج) بنا شده است.

مجموعه‌ی اشعار اخوان ثالث در این چهار محور بررسی و تحلیل شده است و نمونه‌های شعری که برای اثبات مدعا آمده به ترتیب اهمیت تنظیم شده است.

باتوجه به این مسأله واژه «رنج» با واژگان دیگری همچون غم، اندوه و... شبکه معنایی گسترده‌ای را ایجاد می‌کند که بررسی انعکاس این تعابیر در متون ادبی بویژه در برخی از متون ادبی معاصر توجه هر خواننده‌ی نقادی را به خود معطوف می‌سازد. مجموعه گفتار و نوشتارهایی که از خلال متون ادب فارسی چه متون متقدم و چه متون معاصر گواهی می‌دهد که مفهوم «رنج» یکی از پر‌بسامدترین مفاهیم در حوزه معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی متون ادب فارسی است.



بر این اساس یکی از مفاخر بزرگ در ادب فارسی معاصر از میان افرادی همچون سهراب، نیما، توللی و... «مهدی اخوان ثالث» است که در بسیاری از اشعارش با محوریت «رنج» تصویری جامع از وضعیت بشر معاصر و اجتماع زمان خود را بدست می‌دهد.

### ماهیت‌شناسی و کلیاتی درباره مفهوم درد و رنج

«به طور کلی مهم‌ترین علل درد و رنج را می‌توان در تعارض تصورات برساخته انسان با جهان خارج تصور کرد» «همچنین با توجه به عنصر زمان مهم‌ترین عامل درد بیشتر با نگاه انسان امروزی (چهار عنصر محرومیت از حقوق بشر، محرومیت از حقوق طبیعی، نابسامانی ذهنی و روانی و اینجایی و اکنونی زیستن) است» (گرگی، همان: ۱۰۷-۱۳۰). گذشته از این می‌توانیم رنج‌ها را به دو قسمت تقسیم کنیم. «رنج‌هایی که نوع بشر از آن حیث که بشر است دارد و فرقی نمی‌کند که غنی باشد یا فقیر، فرهیخته باشد و یا نافرهیخته، سفید پوست باشد یا سیاه پوست. این رنج‌ها اختصاص به هیچ شخص خاصی ندارد مثل رنجی که از تنهایی یا از احساس زودگذری می‌کشیم یا رنجی که از فقدان عدالت می‌بریم در مقابل رنج‌هایی است که شخصی است و هر کس در راستای هدفهای مختلف بعضی از آنها را تجربه کند.» (ملکیان، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۹).

بدون رنج زیستن برای هیچ انسانی ممکن نیست چرا که انسان بودن و انسانی زیستن و انسانی مردن عصاره درد و رنج را می‌طلبد، آگاهی از بودن این عصاره در انسان شناخت و معرفی می‌خواهد تا در برابر آن بتواند به بهترین نحو عکس‌العمل نشان دهد. چپستی و چگونگی رنج و نوع برخورد در برابر شکل‌های مختلف آن مقوله‌هایی است که در این پژوهش به تبیین آن خواهیم پرداخت.

با توجه به این مقدمات «رنج» همان عصاره‌ی روح‌پرور و همان دنیای جدیدی است که در درون افکار انسان دیدی نو را بنا کرده است، راهی است که اگر ما آدم‌های معمولی با زاویه دیدهای خودمانی به انسانی با این طرز فکر نگاه کنیم فقط گمان می‌بریم که فرد در معرض هجوم نوعی روان‌پریشی و عدم تصمیم‌گیری عاقلانه است. این انسان متفاوت تمام تلاش خود را به ایجاد نیازهای عینی متمرکز کرده، نیازهایی جدا از نیازهای ذهنی و ارضا و لذت آنی آنها.

اصل و ارزش درد انسانی قبل از آنکه در ادبیات منظوم و منثور ما جای پای پیدا کند، در فرهنگ و تفکر اسلامی به زیبایی هر چه تمامتر مطرح شده است. و آموزه‌ها و تعالیم دینی با توصیه‌های



مکرر، پیروان اسلام را به احساس درد و مسئولیت در برابر گرسنگان و تهی‌دستان و غمگساران فرمان می‌دهد. سیره و روش عملی همه پیشوایان دین، حضور مؤثر و مستمر در تنگناها و مرارت‌های زندگی محرومان و مظلومان جامعه و یاری‌رسانی عملی به آنان بوده است. پس از تحلیل رنج از دیدگاه معرفت‌شناسانه، اینک برای شناخت بیشتر این مقوله از چهار ۱- معنانشناسی و ماهیت «رنج» ۲- وجودشناسی «رنج» (انواع، علل و راه‌های رهایی) ۳- غایت‌شناسی «رنج» ۴- وظیفه‌شناسی و اخلاق «رنج» به بررسی و تحلیل مسئله «رنج» می‌پردازیم.

### معنانشناسی و ماهیت «رنج»

برخی از شاعران دردهایی را مختص به خود می‌دانند و از تفاوت میان دردهای خود و دیگران می‌کنند سخن می‌گویند و از این نکته بر می‌آید که دردها می‌تواند به عمومی و خصوصی تقسیم شود.

حتی در میان شاعران کسانی هستند که با اختیار و انتخاب به سمت درد رفته‌اند. آنهایی که تصاویر دلهاشان لبریز از سوز و درد آگاهی است که بازتابی از سرنوشت بشر با همه‌ی امیدها و پندارها و دردها و درماندگی‌ها و درمانهای اوست. از این رو اگر هنرمندانی در آینه‌ی ادب، آبی آسمان را با اصلتشان، سبزی جنگل را با روحشان و زلال آب را با صداقتشان نقش می‌زنند و اگر گروهی دیگر استواری کوه را با اراده‌شان مجسم می‌سازند، گروهی از شاعران متعهد دیگر نیز در این آینه خروش دریا را با فریادشان و سرخی خورشید را با دل به خون نشسته‌شان به تصویر می‌کشند. در آثار این دسته از شاعران که به معرفتی رسیده‌اند و یا رسالتی بر دوش خویش احساس می‌کنند که سگه‌ی زندگی دو رو دارد یک روی، درد است و روی دیگر عشق و بی‌شک نشان این دو پیش از آنکه در آثار این افراد متجلی باشد در وجود مسؤول و اندیشه‌ی بیدار آنان قابل رؤیت است.

باین حال فرد دیندار هر چه دایره معرفتی او وسیع تر گردد دردش افزون‌تر می‌شود و این نشان از آن دارد که پذیرش مسؤولیت سرآغاز پذیرش دردها و رنج‌هاست هر چه مسؤولیت خطیرتر درد و رنج بیشتر است و با این دردها و رنج‌هاست که انسان در ابعاد درونی و انفسی خود صعود و تعالی آگاه و روشن را می‌بیند، شاعر تعالی را می‌بیند و فریادی می‌کشد.



### مفهوم درد و رنج در شعر مهدی اخوان ثالث\* دکتر علی محمد پشت‌دار، حمیدرضا نان‌آور

در این جهان بد فعل است که شاعر با پذیرش تعهدات و مسؤولیتهای خود علی‌رغم اینکه به رنج‌هایی دچار می‌شود اما در ورای آن به آرامش دست می‌یابد که نشان از هدفدار بودن زندگی اوست.

می‌توان به این نتیجه رسید که رنج وسیله است و شادی ابدی و آرامش حقیقت و هدف غایی است.

شاعر هم به عنوان یک انسان مسئول در نهایت رنج به این فکر است که تعهد و تکلف را بر دوش خود حمل کند و به لذت‌های زودگذر پشت کند و از رنج‌های پوچ و بی‌هدف فاصله بگیرد و تنها به ریسمان رنج تعالی بخش و انسان ساز چنگ بزند. به این فکر باشد که با درک دردهای روزگار خویش و با فریادهای هم‌نوعان خود همراه شود و به خواب هوس و اوهام فرو نرود.

#### وجودشناسی «رنج»

یکی دیگر از مهم‌ترین نکاتی که در ادامه‌ی رنج بعد از توجه به بُعد معناشناسی و ماهیت آن می‌توان مطرح کرد؛ وجودشناسی «رنج» است. یکی از ویژگی‌های این مرحله بررسی آن به زبان تمثیل و اسطوره است که در آثار بسیاری از شاعران بزرگ ایران و شاعران بزرگ معاصر سخن به میان آمده است اتفاق نظری که در تمام این اشاره‌ها در آثار شاعران دیده می‌شود این است که قصه‌ی آفرینش بر اساس عشق آغاز شد ولی برای آدمی درد به ارمغان آورد، درد دوری و فراق از محبوبی که یک پرتو حسن او شور و ولوله به پا کرد.

#### علل «رنج»

درباره‌ی خاستگاه «رنج» با توجه به نوع نگاه به اجزا و مؤلفه‌های آن دیدگاهها و باورهای مختلفی وجود دارد. در یک نگاه فراگیر علل درد را می‌توان به دو نوع طبقه‌بندی کرد، نوع نخست، نگاه به عنصر «رنج» از منظر پدیدارشناسی، معرفت‌شناسانه و تأثیری است. نوع دیگر طبقه‌بندی «رنج»‌های بشری با توجه به مسئله زمان و دوره است. در این طبقه‌بندی «رنج»‌ها خود به دو نوع کلان تفکیک می‌شود. علل درد در نگاه انسان پیشین و کلاسیک: که شامل (گناه، دوری از امر قدسی، ناهماهنگی با نظام طبیعت و فطرت و تعلق خاطر است.) و در نگاه انسان مدرن و امروزی



که شامل (محرومیت از حقوق بشر، محرومیت از حقوق طبیعی، نابسامانی ذهنی و روانی و اینجایی و اکنونی نزیستن) است.

### علل «رنج» با رویکرد معرفت‌شناسی و پدیدار شناسانه

اگر با رویکرد معرفت‌شناسانه به انسان، جهان و خدا بنگریم تمام تعارضات میان باور انسان از موضع عامل با حقایق موجود و حوادث غیرمنتظره از یک نقطه آغاز شد؛ آن هنگامی بود که آدم صفی از آن درخت ممنوعه ذوقی چشیده بود، که تازبان‌های عتاب بر سرش فرود آمده بود، و حالش بگشته، نه آن شهوت به تمامی رانده، نه رضای حق با وی بمانده.

«در این میان افرادی هستند که بیش از دیگران رنج می‌کشند، آن هم با دیدن رنج دیگران، با درک شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، با بیرون آمدن از خود و جهانی شدن و دیدی داشتن به وسعت ابدیت همراه با ایمان، آگاهی و عشق. این انسانها می‌دانند که خداوند، آگاهانه وجود شر را جایز شمرده تا شاید امکانی برای پیشرفت و اصلاح اخلاق عالمیان ایجاد شود و مردم فرصت اعمال آزادی اراده‌ی خود را داشته باشند» (تیواری، ۱۳۸۱: ۲۵۹).

### راه‌های رهایی (دفع یا رفع) از «رنج»

بعد از توجه به مسئله ماهیت «رنج» و معرفت نسبت به آن و آگاهی از خاستگاه و علل آن در حوزه وجودشناسی «رنج»: مسئله ماهیت «رنج»: مسئله وقوف و اشعار به وجود راه‌هایی از آن است، که عموماً؛ در بحث وجودشناسی «رنج» بررسی می‌شود.

همانطور که پیش از این در مبحث انواع «رنج» ذکر شد انسانها در طی مسیر زندگی خود با دو نوع «رنج» برخورد خواهند کرد. یکی دردهایی که فرد باید در برابر آنها بایستد و عکس‌العمل معقولانه از خود نشان دهد تا این نوع «رنج»ها او را تسخیر نکنند و تحت تأثیر قرار ندهند به این نوع از دردها، «گریزپذیر» می‌گویند.



مفهوم درد و رنج در شعر مهدی اخوان ثالث\*  
دکتر علی محمد پشت‌دار، حمیدرضا نان‌آور

دیگری دردهایی هستند که برای همه‌ی انسانها مقدر شده است منتها نه در یک زمان برای همه بلکه در زمانهای مختلف برای افراد گوناگون، رویکرد انسان در برابر این گونه از «رنج»ها چیزی نمی‌تواند باشد جز «صبر» به این نوع دردها «گریزناپذیر» می‌گویند.

اما آنچه ما را قادر می‌سازد تا با ناملايمات روبرو شویم اثرات وضعی است که در ساختمان فیزیولوژی انسان ایجاد می‌شود هر نوع فکر یا هیجان و هر نوع آلودگی ذهنی، همزمان در تنفس و حس‌های جسمانی ما اثر می‌گذارند بدین ترتیب با مشاهده‌ی آنها به آلودگی‌ها واقف می‌شویم و به جای فرار از واقعیت، با آن به همان شکل موجود روبرو می‌شویم. به این ترتیب می‌توانیم با تعادل ذهنی به آلودگی ذهنی فرصت دهیم تا آشکار شده و از میان برود.

بنابراین یکی از قدمهای ضروری باید اجرای اصول اخلاقی باشد. در مرحله اول انسان متعهد می‌شود که از انحرافات و ناهنجاری‌ها پرهیز کند. و به ذهن مجال آسودگی دهد تا به امر یادگیری پردازد.

مرحله‌ی بعد تسلط به ذهن «ناآرام و وحشی» است. به این ترتیب ذهن آرام‌تر می‌شود و از سلطه عوامل منفی و خشن بیرون می‌آید.

این مراحل دوگانه ضرورت کامل دارند و مفیدند. اما بدون بهره‌گیری از مرحله‌ی سوم منجر به سرکوبی نفس می‌شوند.

در مرحله‌ی سوم به کمک پرورش بصیرت و شناخت طبیعت خویش، آلودگی‌های ذهنی را می‌زدائیم که این همان «و پیاسانا» است.

یکی دیگر از راه‌های دفع یا رفع «رنج» همان حقیقتی است که در فرهنگ و سنت عرفانی به «موت احمر» تعبیر کرده‌اند:

یکی دیگر از راه‌های دفع یا رفع «رنج» فعال بودن، حرکت و پویایی برای حل مشکل و مسئله‌ی مورد نظر است. یکی دیگر از راه‌های دفع یا رفع «رنج» بهره بردن از اکسیر عشق است.

از دیگر راه‌های دفع یا رفع «رنج» امید به تحقق آرمان شهری است که با آمدن فردی که جلوه‌ای از نور و حقیقت است مُحَقَّق خواهد شد.



یکی دیگر از راه‌های رفع یا دفع «رنج» بازگشت به اصل خود از راه ایمان دینی و اعتماد مطلق یعنی جهت‌گیری شخص با تمامیت وجود خویش که با اعتماد مطلق، خود را به خداوند نشان می‌دهد (نه به معنی تصدیق یا باور کردن حقیقت عقلانی)

نکته‌ی پایانی اینکه در این عصر خالی از ایمان حقیقی و معنویت راستین که اعتمادی به ابدیت نیست برای فراهم کردن زمینه‌ی مناسب برای ایمان و معنویت باید به گذشته بازگشت و آنچه فراموش گشته یادآور شد.

### مفهوم رنج در اشعار مهدی اخوان ثالث

بررسی درد و رنج در آثار اخوان با محوریت معرفت‌شناسانه و پدیدارشناختی یکی از مؤلفه‌های تمایز میان بشریت و دیگر مخلوقات، درد و رنج توأم با معرفت و شناخت است. این فرایند زاینده‌ی تعارض میان خواسته‌ها و واقعیات دنیای کنونی است.

اخوان هم شاد است که دل، دیگر سوی شادی نمی‌گردد و ساحت غم را چنان محترم می‌دارد که آنرا به شادی پوستی، سترون و تهی ترجیح می‌دهد «شادم که دگر دل نگراید سوی شادی/ تا داد غمش ره به سرا پرده‌ی خویشم» (ارغنون، ۱۳۷۹: ۷۰).

اخوان آینه‌ی تمام‌تمامی زمان خویش است آنکه از هجوم طاغوتیان و چنگیزیان دمی پلک بر هم نمی‌نهد و با چشم‌های بیدار به بازمانده‌های خواب زده می‌نگرد و می‌بیند که مردگی سهم بردگی برای بیگانه است.

اخوان مردگی وطن را حنظل در دو داغ می‌داند: «از بس که ملول از دل دل‌مردده خویشم/ هم فتنه بیگانه هم آزرده ز خویشم/ گویند که امید و چه نومید ندانند/ من مرثیه گوی وطن مرده خویشم». (ارغنون، ۱۳۷۹: ۷۰).

اخوان در فضای غمگینانه‌ای به رستگاه درد خود اشاره دارد. آنجا که دست نفاق بر چراغ فکرت او آب تحجر و تاریکی پاشید و شعله‌های آه را در وی روشن کرد تا مبادا ذهن تابناک این روشن ضمیر بر تاریکی بتازد و فریاد بزند: «ما مقدس آتشی بودیم/ بر ما آب پاشیدند/ آبهای شومی و تاریکی بیداد. خواست فریادی و دردآلود فریادی/ من همان فریادم، آن فریاد غم بنیاد». (زمستان، ۱۳۸۱: ۱۳۲).





### مفهوم درد و رنج در شعر مهدی اخوان ثالث\* دکتر علی محمد پشت‌دار، حمیدرضا نان‌آور

اما شاعر در پیشگاه روشن ضمیران عزیز است و خود دلیل را زنده و زایا بودن آتش درون می‌داند: «از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند/ که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست». (تراای کهن... ۱۳۷۶: ۵۰).

در این جستار با توجه به نوع اندیشگی شاعر تصویر جامعی از مسئله‌ی رنج، منطبق با شاکله‌ی اصلی موضوع ارائه می‌شود که چهار محور اصلی دارد: ۱- معناشناسی و ماهیت رنج ۲- وجود شناسی رنج (انواع، علل و راه‌های رهایی) ۳- غایت شناسی رنج ۴- وظیفه شناسی یا اخلاق رنج.

#### معناشناسی و ماهیت رنج در اشعار اخوان

«یکی از مهم‌ترین و در عین حال ابتدایی‌ترین نکات در مقام بین مفاهیم انتزاعی؛ از جمله مفهوم درد و رنج، توجه به تعریف و ماهیت آن است که شاعران معاصر ما در ابعاد گسترده بدان پرداخته‌اند». (گرگی ۱۳۷۱: ۱۰۷۰-۱۳۰).

اخوان هم شاعری متعهد و آگاه است و گستره نگاه او تمام مرزهای زندگی بشر را برای بیان دردهای نهفته و نگفته سیر می‌کند. زمانی که از خویش می‌ماند و بیرون می‌رود و آنجایی که قلم به کف می‌گیرد و آسایش از کف می‌نهد:

«تا قلم به کف گیرد/ خورد و خواب و آسایش/ می‌شود فراموشش» (زمستان ۱۳۸۱: ۵۰).

و: «می‌رود برون شاعر/ صبحدم ز خانه‌ی خویش/ هر جمال و جلوه که نیست. یا که همت می‌نگرد/ سینه‌اش کند تنگی ز آتش گدازنده/ ارغنون روحش را/ سخت در خروش آرد/ یک نهان نوازنده» (زمستان ۱۳۸۱: ۴۹).

این رفتن‌ها، روحی بزرگ می‌خواهد که صلیب سرنوشت تلخ یک ملت را با حماسه‌های پیشین آنچنانی بر دوش گیرد و تازیانه‌های فریاد و خروش را بر پیکر سرد و منجمد هم‌عصران نوازد. «من دردم بی ساحل/ شوربخت بی حاصل/ ساحر نشو جادو کن. درمان کن، درمان کن» (زمستان ۱۳۸۱؛ ۵۰).

در مسیر درد شاعر سرمست از آنچه در ظرف خود دارد و لحظه لحظه ظرف و مظروف گسترده‌تر و مستی افزون می‌شود. پیکرهای میرنده در خلاب و گرداب را خطاب می‌کند که هی شما گنج شایانی نخواهید یافت.



«هر کسی پیمان‌های دارد/ من نیز پیمان‌های دارم/ با سبوی خویش، کز آن می‌تراود زهر/ گفت و گو از دردناک افسانه‌ای دارم» (زمستان، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

این گونه است که درد و شاعر درد و رنج را جام بلایی می‌داند که دم به دم افزون می‌یابد چراکه ایشان مقرب آستان حقیقی هستی‌اند و به آنچه دیده‌است یقین دارد و آگاه است که اگر پی‌جوی اصل باشد مدام مشامش بوی درد را می‌فهمد و ظرف درونش رطل‌های گران رنج را می‌طلبد.

اخوان هم به ناموس پاک و فطرت ایستادگی کرد بر هیبت فردوسی بزرگ تکیه می‌زند و با فقری که فخرآوست شراب تلخ از داغ جگر و خون دل مصفا می‌کند تا عیش لاله گونه برگزیند و از سوزها و سازها کالبد روحش را نی‌گونه سازد که روایتگر ماجراهای درد باشد: «ساز دگر ز مطرب گردون دون مخواه/ مانند نی امید! تو را سوزنان بس» (تراای کهن بوم و بر... ۱۳۷۶: ۲۸۷).

آنچه از دردها گفتنی است در قابی از رویدادهای زمان در ابعاد و سطوح مختلف یک جامعه، تبلور قابل ملاحظه‌ای در شعر معاصر و بخصوص اخوان داشته است، هجوم‌های خزان و سرما و زمستان در این شاعر رموزی را آشکار می‌کند و خیزش‌هایی می‌طلبد.

اجتماعیات اخوان نسبت به دیگر افق‌های پیش روی وی نمود چشمگیرتری دارد. او برخلاف دیگران در رودهای ناامیدانه بر فرازهای خوش بینانه و رؤیاگونه چنگ نمی‌زند بلکه در ریزش پاییزگونه فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه به زنده‌ی عناصری رسید که در وجود او جریان داشت و او همچنان بارور می‌شد تا ژرفا و سنگینی رنج ملت را در زمستان - و چه زمستانی! که قطعه‌ای درخشان - که پست و پلشت و فراز فرود دهه‌های پر از درد را حکایت کند تصویر می‌کند: «حریفا! میزبان! میهمان سال و ماهت پشت در چون موج می‌لرزد/ تگرگی نیست، مرگی نیست/ صدایی گر شنیدی، صحبت سرما و دزدانست» (زمستان، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

### وجودشناسی «رنج» در نگاه مهدی اخوان ثالث

یکی از نکات مهم در مقام بیان «رنج»؛ در کنار ماهیت و معناشناسی، وجودشناسی رنج است.



مفهوم درد و رنج در شعر مهدی اخوان ثالث\*  
دکتر علی محمد پشت‌دار، حمیدرضا نان‌آور

مقصود از وجود شناسی در این بستر، معنای عام آن است که به بحث‌های مربوط به وجود یا عدم «رنج» نظری انواع، علل و راه‌های رهایی از آن می‌پردازد. شاعر در زمینه‌ی فلسفه‌ی وجودی رنج بشری، به رویداد ازلی و اسطوره را در نگاه خود می‌پرورد و آن را آغاز هبوط می‌داند:

«دلم فریفت بهشتی جمال گندمگون/ بتی چنان که نگر گندمی نیای مرا» (تراای کهن...، ۱۳۷۶: ۱۹).  
توجه به نقش زن و جایگاه او در اسطوره‌ها و هبوط انسان؛ بخصوص اسطوره‌ی میوه‌ی ممنوعه و فریب حوا قابل ذکر است و به عنوان دردی ازلی که برآمده از اختیار انسان است در نظرگاه شاعران بوده است.

اخوان به نقش‌ها و فریب‌های ابلیس نظر دارد: «بر دیوار هزار رخنه‌ی برج/ خفته بس نقش با خطوط زمخت/ حاصل عمر چند افسونگر/ میوه‌ی رنج چند شاخه‌ی لخت» (زمستان، ۱۳۸۱: ۴۳).  
در بحث وجود شناسی می‌توان رنج را در یک نگاه فراگیر در محورهایی همچون انواع، علل و راه‌های رهایی از آن بررسی و تحلیل کرد که اهمیت کشف علل و عوامل درد و رنج در این جستار نشان از نگاه مؤثر هنرمند دارد.

### ۱) علل رنج با توجه به نگاه انسان امروزی

یکی از علل رنج با توجه به دیدگاه انسان امروزی: در این است که هرگاه شخص به جای زیستن در زمان حال، به گذشته یا آینده بنگرد و حال را فدای آینده و روند ذهنی خود کند در رنج غوطه ور خواهد شد.

مهدی اخوان در شور و شوقی آکنده به میهن و نژاد پاک و شجاع آریایی و به پاسداری از دلاوری‌های پیشینیان، نهیبی می‌زند بر افکار خواب زده و مبهوت تهاجمات اخیر و میوه‌شان برای فراموشی عمیقی است که دامنگیر تحولات جامعه است و فقدان حماسه سازان وطن:

«بس پسرها که ز مادر زادند/ نام رستم پدرانشان دادند/ ولی از آن همه رستم نامان/ هیچ یک رستم  
دستان نشدند/ مرد مردانه‌ی میدان نشدند» (آخر شاهنامه، ۱۳۸۱: ۱۷۸).

اخوان به فراموشی این طور نهیب می‌زند: «نزد آن قومی که ذرات شرف در خانه‌ی خونشان/ کرده جا را بهر هر چیز دیگر حتی برای آدمیت تنگ/ خنده دارد از نیاکانی سخن گفتن که من گفتم» (آخر شاهنامه، ۱۳۸۱: ۱۷۸).



### راه‌های رهایی (دفع یا رفع) از درد و رنج

«ارسطو حکیم یونان، بر آن است که انسان عاقل بعد از وقوف به ماهیت درد و رنج و آگاهی از خاستگاه آن باید طالب رهایی از درد باشد» (گرجی، ۱۳۸۷؛ ۱۰۷-۱۳۰).

بعد از توجه به مسأله ماهیت درد و رنج و معرفت نسبت به آن و آگاهی از خاستگاه و علل آن در حوزه وجودشناسی؛ مسأله‌ی وقوف و اشعار به وجود راه‌های رهایی از آن است که عموماً در بحث وجودشناسی درد و رنج بررسی می‌شود.

شاعر در گذر از لحظه‌های رنج افزا و رهایی از دستاویزی پیش روی خود می‌نهد. اخوان در این میان به لحظه‌ها پناه می‌برد و می‌خواهد که انسان همچون شجره‌ای پاک، شاخه‌های عمر خود را از لختی و لختی نجات دهد و به دامن نور و معنویت همراه با خلوص عارفانه و عشق پناه برد: «یک لحظه لحظه هاتان را تهی مگذارید/ و شاخه‌های عمرتان را ستاره باران کنید» (آخر شاهنامه، ۱۳۸۱؛ ۹۴).

«رهایی را اگر راهیست/ جز از راهی که روید زان گلی، خاری، گیاهی نیست». (از این روستا، ۱۳۴۴، ۷۶). مادی‌گرایی، استعمار و ستم، همه از رنج‌های کهنه و بی پایان روزگاران است که هر هنرمندی ندایی برای مبارزه با آن سر می‌دهد و در این میان بودن مجاهدان و راه رنج برای رهایی را مژده می‌دهد:

«درس تاریخ به من مژده‌ی جانبخشی داد/ زور از بازوی سرمایه به در خواهد شد» (ارغنون، ۱۳۷۶؛ ۳۲).

اوج‌گیری از زمین تبعید و جدایی از زمان و مکانی که انسان به آن تعلق ندارد اما تعلق خاطر پیدا کرده راه رهایی است:

اخوان در راستای تعالی و رسیدن می‌خواهد از عرصه‌های تاریک گون رها شود و از پیلای تن و کالبد پوستین به سمت جایگاه واقعی و اوج معنا برسد و بال زندهای موقتی و پروانه گون را نمی‌خواهد: «آفتاب بلند عالمگیر! / من دگر زین حجاب دلزده ام/ دوست دارم پرستویی باشم/ که ز پروانگی کسل شده‌ام» (زمستان، ۱۵۴، ۱۳۸۱).



### غایت‌شناسی «رنج»

در حوزه‌ی مباحث درد و رنج و غایت‌شناسی معرفت‌شناسانه، توجه به نتیجه و هدف درد و رنج است و این که مسئله و هدف از درد و رنج چیست، تمرکز دارد و این که انسان صاحب درد از دردهای مثبت یا منفی چه می‌آموزد، بدون تردید، آگاهی و شناخت به همراه تلاش و مجاهده و شجاعت توأمان، مترتب بر رنج‌هایی با منشاء اخیر است. حجم گسترده‌ی درد نشان از آگاهی است.

«به زیر کوه غم و رنج پشت من شکست / اگر چه کمر بسته ام مجاهده را» (ارغنون، ۱۳۷۶: ۲۰).  
 توجه شاعران به آلام ابناء زمان به تعالی و تکامل ایشان منجر می‌شود که نشان دیگرگونه دیدن، گفتن و زیستن است.

در زمانهایی ممکن است غایت رنج، یاسی نصیب شاعر کند که برآمده از خمود و جمود جامعه‌ی زمان است که همه پشت به خورشیدند و محو سایه‌های خود و کوری چشم سر:  
 «در مزار آباد شهر بی تپش / وای جغدی هم نمی‌آید به گوش / دردمندان بی خروش و بی فغان /  
 خشمناکان بی فغان و بی خروش» (آخر شاهنامه، ۱۳۸۱: ۲۲).

سرمستی و خروش غایتی برای رنج هنرمند است:

«مرود برون شاعر / صبحدم ز خانه‌ی خویش / هر جمال و جلوه که نیست / یا که هست می‌نگرد /  
 مکر او به جوش آید / سینه اش کند تنگی / ز آتش گدازنده / ارغنون روحش را / سخت در خروش  
 آرد / یک نهان نوازنده» (زمستان، ۱۳۸۱: ۴۹).

### وظیفه‌شناسی یا اخلاق «رنج»

یکی دیگر از مباحثی که در حوزه‌ی معرفت‌شناسی و در کنار ماهیت و غایت رنج قابل تأمل است؛ وظیفه‌شناسی با اخلاق درد و رنج است. به این معنا که انسان در مواجهه با پدیده رنج در زندگی خود و دیگران چه رویکرد اخلاقی باید اتخاذ کند و کیفیت مواجهه او در مقابل آن چگونه است.

گفتن از دردها و الفت دیرینه با آن از اخلاق و شأن هنرمند آگاه است. آنجایی که شاعر وارسته‌ی آگاه، رنج‌ها را از نهادینه‌های زندگی خود می‌داند:



«کی رود از دل ندیم غم، که قدیم است / الفت ما صحبت قدیم و ندیم است» (ترا ای کهن...، ۱۳۷۴: ۶۲).

وقایع روزگار ناگهانی است و شاعر تاب چون ندارد و آرمانها را برای جامعه طلب می کند. اخوان: «... من مردم زشت و پست نتوانم دید / من می خواهم که هر چه باید باشد / من دهر چنین که هست نتوانم دید» (ترا ای کهن...، ۱۳۷۶: ۳۶۸).

شاعر آلام وطن و سرزمین خود را و فریاد آن را پیشه و رویه‌ی خود می داند: «غم عالم به جان خود خریدن، پیشه دارد دل / بگو بی ریشه شادابان بترسند از خزان امید / ترا در عمق خاک و خون ایران ریشه دارد دل» (ترا ای کهن...، ۱۳۷۶: ۶۸).  
هنرمند در راستای کاهش آلام بشر، از جنگ بیزاری می طلبد و احقاق حق و ایستادگی برای گرفتن حق را (حقوق بشر و حقوق طبیعی) و خواهی می کند:  
«خود فکر کار باش، که قولی مدللست / توفیق بی جهاد مدلل نمی شود» (ترا ای کهن...، ۱۳۷۶: ۶۸).

### نتیجه گیری

پس از نقد و بررسی در محتوای اشعار اخوان معلوم شد که وی با طیف وسیعی از دردهای گریز پذیر روبرو است. در رویکرد معرفت شناسی و علل رنج اخوان در یک نگاه به گذشته‌های غرور انگیز وطن نظر دارد و از اساطیر آن یاد می کند و گاهی به پرواز، هجرت و صبوری پناه می برد و در نهایت در ساحت وظیفه شناسی درد و رنج رسالت واقعی شاعر در حوزه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به تلاش و آگاهی دادن و ایستادن در کنار رنج‌های مردم ختم می شود. گرچه گاهی در اشعار وی یأس و ناامیدی غلبه دارد.

### منابع و مآخذ

- اخوان ثالث، مهدی، از این روستا، مروارید، چ ۱، ۱۳۴۴.
- اخوان ثالث، مهدی، زمستان، چ ۱۸، ۱۳۸۱.
- اخوان ثالث، مهدی، ترا ای کهن...، مروارید، چ ۵، ۱۳۷۶.



- اخوان ثالث، مهدی، آخر شاهنامه، زمستان، ۱۳۸۱.
- اخوان ثالث، مهدی، ارغنون، مروارید، چ ۱۱، ۱۳۷۹.
- تیواری، کدرانات، دین‌شناسی تطبیقی، دکتر مرضیه شنکایی، انتشارات صحت، ج ۱، ۱۳۸۸
- گرجی، مصطفی، درد و رنج در نگاه قیصر امین پور، پژوهش‌های ادبی، انجمن زبان و ادبیات فارسی، سال پنجم، شماره ۲۰، ۱۳۸۷.
- ملکیان، مصطفی، درد از کجا؟ رنج از کجا؟، هفت آسمان، سال سوم، شماره ۲۴، صفحه ۵۱-۷۱، ۱۳۸۱.
- یحیی نصرتی، مکتب رنج، نقد و نظر (فصلنامه شخصی فلسفه و الهیات)، سال یازدهم، شماره ۴۳ و ۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.

